|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **آيت الله حسيني بوشهري - 1390/10/16**  | مشاهده در قالب پی دی اف | چاپ | فرستادن به ایمیل |

|  |
| --- |
| [مشروح خطبه ها](http://namaz-qom.ir/index.php?option=com_content&view=section&id=7&Itemid=56)  |
| نماز جمعه مورخ16 /1390/10 هجري شمسي مصادف با 12 صفر سال 1433 هجري قمريامام جمعه: آيت الله حسيني بوشهري((حفظه الله))خطبه اول بسم الله الرحمن الرحيم«عباد الله اوصيكم و نفسي بتقوي الله»قال رجل لعلي بن موسي الرضا (ع): « وَ اللَّهِ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَشْرَفُ مِنْكَ أَباً فَقَالَ التَّقْوَى شَرَّفَتْهُمْ وَ طَاعَةُ اللَّهِ أَحْظَتْهُم‏» بندگان خدا، خودم و شما را به تقواي الاهي سفارش مي¬كنم.مردي محضر مبارك امام هشتم، علي بن موسي الرضا (ع) شرفياب شد. اين گونه آغاز به سخن كرد: به خدايي خدا سوگند كه در روي زمين كسي از نظر پدر با شرافت¬تر از شما نيست.پاسخ امام به اين اظهار لطف و محبت اين فرد اين گونه است. حضرت فرمود: آنچه موجب شرافت آباء و اجداد من شده و آنچه موجب عظمت آن¬ها در نگاه مردم شده، تقوا و اطاعت خداست.اگر اين¬گونه از پدرم و از اجدادم ياد مي¬كني آن¬چه باعث شرافت و عظمت اين¬ها شده همانا تقوا و اطاعت خداي متعال است. بنابر اين تلاش¬مان و جديت¬مان اين باشد كه تا زنده¬ايم و از اين نعمت خداداد برخورداريم در مسير تقوا حركت كنيم. اگر عظمت مي¬خواهيم در سايه¬ي تقواست و اگر شرافت مي¬خواهيم در سايه¬ي تقواست و افتخار امامان به تقوا و اطاعت خداست. در خطبه¬ي اول همان گونه كه مستحضريد موضوع سخن ما پيرامون سيره¬ي نوراني پيامبر و اهل بيت عصمت و طهارت بود و در اين چند هفته¬ي گذشته سخن را معطوف كرديم به حادثه سازان حادثه¬ي عاشورا و عاشوراييان و از زينب كبري سخن گفتيم و از وجود مقدس امام باقر سخن گفتيم و امروز هم در اين محضر مقدس و نوراني، جملاتي در مورد شخصيت سيد الساجدين امام العارفين، وجود مقدس آقا علي بن الحسين سخن مي¬گوييم.سخن گفتن در اين فرصت كوتاه آن هم در رابطه با همه¬ي ابعاد شخصيتي امامان معصوم، كار ساده¬اي نيست ولي بنده سعي مي¬كنم، خوشه چيني كنم و از هر بخشي از زندگي اين بزرگ، خوشه¬اي بچينم و بهره¬اي بگيرم.در بُعد اخلاقي و عبادي و رفتاري آن حضرت و در بُعد حركت فكري و فرهنگي و جهادي آن حضرت و در رابطه با احياي حادثه¬ي عاشورا توسط آن بزرگوار به تناسب وقت اشاره¬¬اي خواهم داشت.يكي از ويژگي هاي اخلاقي و رفتاري و عملي امام سجاد، زين العابدين كه براي همه¬ي ما در همه¬ي عصرها و زمان¬ها مي¬تواند نقش الگويي داشته باشد رابطه قوي آقا نسبت به قرآن هست و اين نشان دهنده¬ي اين است كه به عنوان پيروان و رهروان آن بزرگواران، بايد انس¬مان باقرآن بيش از آن چه هست، باشد. جمله¬اي از حضرت نقل شده كه فرمودند:« لَوْ مَاتَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي» اگر آن چه بين مشرق و مغرب است، همه از بين برود ولي قرآن با من باشد، بيمي به خود راه نمي دهم. قرآن از اين جايگاه استوار در نزد امام برخورد است. در بُعد عبادت آن حضرت كه تعبير بلند و رسايي است كه حق بزرگ خدا به گردن شما به عنوان يك انسان اين است كه او را عبادت كنيد و به او شرك نورزي. بعد مي¬فرمايد :« فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيَكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» اگر اين كار و عبادت را توأم با اخلاص انجام دادي، خداي متعال براي تو آن چنان عمل مي¬كند كه تأمين كننده¬ي امر دنيا و آخرت تو باشد. يعني در سايه¬ي عبادت مي¬شود به دنيا هم رسيد نه فقط به آخرت. تعبيري ابن ابي الحديد معتزلي در رابطه با امام دارند كه تعبير رسايي است:«كان غاية في العبادة» امام سجاد در اوج و قله و قمه¬ي عبادت بود و وجود مقدس امام باقر در رابطه با پدر بزرگوارش اين چنين مي¬فرمايد كه پدرم هر موقع كه نماز مي¬گذارد «يُصَلِّي صَلَاةَ مُوَدِّعٍ يَرَى أَنْ لَا يُصَلِّيَ بَعْدَهَا أَبَداً» امام صلاة مودع انجام مي¬داد يعني احساسش بر اين بود كه اين نماز آخرين نمازي است كه در پيشگاه پروردگار عالم انجام مي¬دهد و حالت عبادت اين¬گونه انسان پيوسته و وابسته به ذات كبريايي حضرت حق باشد. طاووس يماني مي¬گويد در حجر اسماعيل بودم كه علي بن الحسين وارد شدند با خود گفتم كه مرد صالحي از اهل بيت آمده كنجكاوي كنم كه در بُعد عبادي چه مي¬كند. مي¬گويد متوجه شدم كه امام سر به سجده گذاشت خوب گوش دادم ديدم امام اين جملات را تكرار مي¬كند: « عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ مِسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ» مرتب حضرت اين جمله را تكرار مي¬كند. طاووس يماني مي گويد: هر موقع مشكلي برايم پيش آمد بعد از نماز سر به سجده بردم و اين ذكري كه حضرت در حال سجده خوانده بود، مي¬خواندم و تكرار مي¬كردم و مشكلي نبود كه در سايه¬ي اين ذكر حل نشود. در رابطه با تكريم فقرا؛ اصلاً شيوه و سيره¬ي اهل بيت اين بوده كه نسبت به فقرا حالت تكريم داشتند. حضرت تعبير جالبي دارد موقعي كه سائلي به نزد حضرت مي¬آمد حضرت مي فرمود: بيا خوش آمدي كسي كه زاد و توشه¬ي آخرتم را داري مهيا مي¬كني. يعني فقيري كه به حضرت مراجعه مي¬كند و حضرت به او كمك مي¬كند، اين را به عنوان ذخيره و پشتوانه¬ي آخرت حساب مي¬كند. مي¬فرمايد: دستي كه به فقير كمك كند بايد آن دست را بوسيد و بعد حضرت استدلال مي¬كند:« لِأَنَّهَا تَقَعُ فِي يَدِ اللَّهِ» زيرا آنچه كه انسان به فقير مي¬دهد در دست خدا قرار مي¬گيرد و اين دست بوسيدني است. در رابطه با برنامه¬هاي فكري و فرهنگي آن حضرت كه در يك شرايط خاصي قرار گرفته بودند شرايطي كه شخصي از امام سوال مي كند: «كيف اصبحت» خيلي رنج آور است آن¬چه بر امامان ما گذشته است. حضرت فرمود:« أَصْبَحْنَا خَائِفِينَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَصْبَحَ جَمِيعُ أَهْلِ الْإِسْلَامِ آمِنِين‏» ما چون وابسته به پيغمبريم، زندگي¬مان توأم با خوف و ترس است و جميع اهل اسلام و ديگراني كه نسبتي با پيغمبر ندارند، در امنيت زندگي مي¬كنند و زندگي را براي ما به خاطر وابستگي¬مان به پيغمبر ناامن كرده¬اند و ديگران احساس امنيت مي¬كنند.عبدالملك مروان از خلفاي عباسي است كه در زمان حضرت زندگي مي¬كند. او فشاري بر جامعه وارد كرده است تا از حضرت فاصله بگيرند. به اختلافات در ميان امت اسلامي دامن زده و او شايد جزو اولين كساني است كه دستور داد كه اگر كسي مرا به تقوا دعوت بكند، گردنش را بزنيد. اين چهره¬ي خبيثي است كه در زمان وجود مقدس آقا علي بن موسي الرضا (ع) قرار گرفته و واقع شده است. موقعي كه حضرت مي¬خواهد رهبري امت اسلامي را عهده دار شود در يك فضاي خفقان زده، چاره¬اي نيست كه در قالب دعا و موعظه و ارشاد سخن بگويد و به گونه¬اي كه مخاطب پيام را دريافت كند و بهانه¬اي به دست ستمگران و حاكمان ظلم و ستم داده نشود. مهم¬ترين شاهكار حضرت در صحيفه¬¬ي سجاديه است كه من در اين جا هم به نسل جوان¬مان و هم به جامعه¬ي اسلامي¬مان توصيه مي¬كنم كه اين كتاب گران سنگ را از خودتان دور نكنيد. جملات آن چنان زيباست كه در دل اثر مي¬كند.وجود مقدس امام سجاد بعد از جرياناتي كه گذشت در رابطه با عاشورا؛ مسجد پيغمبر را كانوني براي كادر سازي و تربيت شاگرد قرار داده است و در فقه و تفسير و حديث شاگرد تربيت مي¬كند و كار بزرگي كه در عصر امام اتفاق افتاد و از كارهاي نمونه است، اين است كه بردگان را حضرت مي¬خريد و بعد از يك سال تربيت، اين¬ها را آزاد مي¬كرد. اين¬ها كه قطع رابطه با حضرت نمي¬كردند. جمعيتي را اين چنين در فضاي جامعه پراكنده مي¬ساخت تا به فضايل اهل بيت و معارف آنان بپردازند. اين كار بزرگي بود كه حضرت در آن شرايط خفقان زده انجام مي¬دادند. در رابطه با نقش حضرت نسبت به نهضت عاشورا، نقش بسيار مهمي است. او شاهد صحنه¬هاي جانكاه بوده است. يكي از خدمتگزاران به حضرت مي¬گويد: آقا آيا وقت آن نرسيده است كه غم و اندوه شما تمام شود؟ آيا وقت آن نرسيده كه دست از گريه كردن برداريد؟ حضرت فرمود: يعقوب در ميان 12 فرزندش يكي را در كنار خود نديد، آن چنان اشك ريخت تا نابينا شد اما من شاهد به شهادت رسيدن پدرم بودم. شاهد به شهادت رسيدن برادرم، عمويم و تعدادي از بني هاشم و اصحاب و ياران بودم؛ چگونه سكوت كنم و چيزي نگويم؟حضرت هرجا مي¬رسيد فرياد مي¬كشيد كه در مقابل دشمني مثل يزيد، دستور داده بودند كه كاروان اسيراني كه با طناب بسته بودند و غل جامعه به گردن امام سجاد انداخته بودند، وارد مجلس يزيد كنند. اين جمله ذكر مصيبت و عرض ادب و ارادت من باشم. موقعي كه كاروان اسيران با اين حالت و با اين منظره كه يزيد مي¬خواست آن ها را تحقير كند و اين¬ها وارد مجلس شدند؛ امام سجاد زين العابدين رو به يزيد كرد:« مَا ظَنُّكَ بِرَسُولِ اللَّهِ لَوْ رَآنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ» يزيد! تو را به خدا سوگند اگر رسول الله ما را با اين حالت مشاهد كند آيا سخني براي گفتن داري؟ خطبه دوم«عباد الله اوصيكم و نفسي بتقوي الله»قال علي بن الحسين (ع):« أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»بندگان خدا، خودم و شما را به تقواي الاهي سفارش مي¬كنم.وجود مقدس آقا علي بن الحسين -جمله كوتاه است ولي آگاهي بخش و هشدار دهنده- مي¬فرمايد: تقوا را پيشه كنيد و قدر مسلم بدانيد كه « أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» شما بالاخره به سوي خدا بر مي¬گرديد. دنيا جاودانه نيست و « إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُون‏» پس براي اين مدت كم و كوتاه زندگي جز در مسير رضايت خدا گامي بر نداريد. در خطبه¬ي دوم به بيان مناسبت¬ها و نكاتي اشاره مي¬كنم.اولين مناسب در 16 ديماه سال 1359، حادثه¬ي سنگيني اتفاق افتاد. حادثه¬ي شهداي هويزه و لذا اين روز به عنوان سالگرد شهادت حماسي شهداي هويزه و روز شهداي دانشجو شناخته مي¬شود. در آن روز بيش از 100 نفر از برادران پاسدار و جهادي و دانشجويان ما در منطقه هويزه به شهادت رسيدند و دشمن شهر هويزه را به اشغال خود در آورد و با انواع و اقسام ديناميت ها و بلدوزرها شهر هويزه را به تپه¬اي تبديل كرد. ما ياد اين شهيدان را گرامي بداريم. ولي يك جمله هم به خودم مي¬گويم و هم به شما كه عزت امروز ما، هيمنه¬ي امروز انقلاب ما، در سايه¬ي جان فشاني¬هاي اين شهداي عزيز است و اين¬ها سرمايه¬هاي ما بودند و هستند و خواهد بود. مناسبت دوم 17 ديماه، روز كشف حجاب توسط رضاشاه است. عامل بي اختيار انگليس! اين¬ها دست به دست هم دادند كه هويت اسلامي ما را از بين ببرند. و در تاريخ 17 ديماه 1314 در جشن فارغ التحصيلي دانش¬سراي مقدماتي دختران رسماً برنامه¬ي كشف حجاب را اعلام كردند و در آن¬جا عده¬اي به گونه¬اي عمل كردند و ابراز كردند با آنچه كه شاه كشور خواسته همراهي مي¬كنيم و امروز هم به شما بگويم كه در پرتو پيروزي انقلاب¬مان آن فضاي جامعه تغيير كرد وليكن خواهر مسلمان! توجه داشته باشيد كه آن روز اگر رضاشاه، به عنوان عامل انگليس دست به كار شد كه مسأله¬ي حجاب را در اين كشور بي اعتبار كند؛ امروز هم از همان¬جا نشأت مي¬گيرد و از همان فرهنگ غرب نشأت مي¬گيرد حتي نسبت به شهرهاي مذهبي ما طراحي مي¬كنند و برنامه ريزي مي كنند.خانواده¬ي مسلمان و خواهر مسلمان! حجاب در يك جامعه¬ي اسلامي مايه عزت و اعتبار است. اين هويت ملي و اسلامي را از ما نگيرند و اين نقشه¬ي دشمنان است. مشاهده كرديد كه رهبر فرزانه¬ي انقلاب، همايش بزرگي را به عنوان سومين نشست تحت عنوان جايگاه زن و خانواده برگزار كردند و 4 ساعت اين همايش به طول انجاميد. رهبري مي¬خواهند گوش زد كنند، زن در يك جامعه¬ي اسلامي نقش آفرين است و خانواده در يك جامعه¬ي اسلامي نقش آفرين است. كار اساسي زنان تربيت فرزندان لايق و همسرداري است. اشتغال هم بشرطها و شروطها! مرز محرم و نامحرم در مسأله اشتغال بايد حفظ شود. فضاي يك جامعه¬ي ديني را نمي¬شود تبديل كرد به يك فضايي كه مورد پسند غرب باشد. ما هم مسلمانيم و هم ايراني هستيم. بايد سنت¬ها و ضرورت¬هاي خود را پاس بداريم و به ديگران نگاه نكنيم و ديگران نسبت به زن ابزاري نگاه مي¬كنند و حيثيت زنان را تا امروز از بين برده¬اند. بعد از اين هم نقشه¬هاي پيچيده اي براي حيثيت باقيمانده زنان در فرهنگ غرب دارند. نكته¬ي سومي كه بسيار مهم است و شما همه منتظريد ما در آستانه 19 دي ماه، قيام خونين مردم قم هستيم. آفرين بر فم! آفرين بر مردم قم! من قم را اين طوري معرفي مي¬كنم. قم مطلع قصيده¬ي بلند نهضت اسلامي است. قم سرآغاز پيروزي انقلاب اسلامي است و قم رمز مقامت و استقامت در طول اين چند دهه¬ي انقلاب اسلامي است. اين جايگاه قم است.اگر آن قيام در كارنامه¬ي درخشان قم به نام مرجعيت، به نام روحانيت و طلاب و مردم قم ثبت نمي¬شد ممكن بود كه روزي هويت انقلاب ما را انكار كنند. ولي اين كارنامه¬ي درخشان 19 دي گره با 15 خرداد و بعداً با 9 دي گره خورد و گره مي¬خورد ان شاء الله تا قيام صاحب الامر حضرت بقية الله الاعظم. يكي دوتا نكته¬ي كوتاه؛ در 15 ديماه روز گزينش را داريم به امر حضرت امام (ره). كار بسيار بزرگي است گزينش سالم براي دستگاه¬هاي كشور. بخش زيادي از رضايت و عدم رضايت مردم در سايه¬ي گزينش¬هاي سالم يا احيانا ناسالم خواهد بود. در گزينش¬ها بُعد اعتقادي، بُعد رفتاري و اخلاقي و سياسي بايد مورد ملاحظه قرار بگيرد تا همه كساني كه به مردم خوب ما خدمت رساني مي¬كنند، با عشق به اين نظام و رهبري خدمت كنند تا دشمن احياناً طمع در كاركرد كارگزاران نظام اسلامي پيدا نكند.من به ارتش قهرمان¬مان و نيروي دريايي¬مان به خاطر رزمايش ولايت 90 هم تبريك عرض مي¬كنم. اين رزمايش خيلي پيام داشت ولي مهمترين پيام، پيام صلح و امنيت است و مهم¬ترين پيام اين است كه خليج فارس جاي حضور بيگانگان نيست. و بالاترين پيام اين پيام است و اين دو تا پيام كه اين رزمايش اعلام كرد كه اگر دشمن بخواهد تحريم¬هاي ما را به سوي تحريم نفت ايران سوق دهد، اجازه نخواهيم داد كه يك قطره¬ي نفت از تنگه¬ي هرمز عبور كند.  |